

## نبودن تعصب مذهبی در دوره مغول

دانشمند ایران‌شناس آقای پرفسور نیکیتین که از خوانندگان و دوستان ارادتمند نشریه مامیباشند در نامه مورخ ۲۸/۱۰/۵۸ که از پاریس نوشته‌اند، ضمن ابراز لطف بنشریه دانشکده ادبیات تبریز، مقاله «دین و مذهب در عهد ایلخانان ایران» را که در شماره اول سال دهم (بهار ۱۳۳۷) چاپ شده است مورد توجه قرار داده و اقتباساتی چند از کتاب «مغول و روسیه» نگارش پرفسور جرج ورنائوسکی استاد دانشگاه ییل امریکارا که مکمل و مؤید بحث «نبودن تعصب مذهبی در دوره مغول» است ارسال داشته‌اند. ماضن سپاسگزاری از توجه و عنایت دانشمند محترم آقای نیکیتین بنشریه دانشکده ادبیات اقتباسات مزبور را با یادداشت آقای دکتر جواد سجادیه و تکمله‌ایکه آقای دکتر مرتضوی نوشته‌اند ذیلا درج میکنیم.

مغول و روسیه

از جرج ورنائوسکی - ترجمه دکتر سجادیه

خط مشی سیاسی هنگو تیمور در روسیه نسبت بر رویه سیاسی سلاطین ماقبل خود بسیار خیر خواهانه بود

نویسنده سند شماره (AM. ۶۷۷۴) مورخه ۱۲۶۶ مسیحی میگوید که در این سال سلطان روس Berke بر که در گذشت و از ظلم و جور تاتارها بی اندازه کاسته شده بود. ظاهرأ امر واگذاری مالیاتها بطور همقطعه و در بست با افراد بازرگانان مسلمان منسوخ شده بود و بجای آن مالیات چیمان منظمی برای جمع آوری مالیاتها و دیون مالیاتی دولتی انتخاب می شدند.

يك قدم برجسته و سیاست قابل ملاحظه و با اهمیت دیگر همانا صدور منشور ویرلیغ درباره معافی و مسلمی کلیسای روس از پرداخت مالیاتها و عوارض مقرر بود

پیروی از یاسای چنگیز خانی پادشاهان مغولی که پیش از منگوتیمور بودند اسقف‌های روسی و کاهنین و کشیشان را در سرشماری منظور نداشته و در حساب و شمارش نیاوردند و در حقیقت با معاف نمودن طبقه روحانی و مذهبی کلیسای روس و شناختن این امتیازات برای آنها آنرا یک طبقه اجتماعی ممتاز دانسته و خانواده‌های آنها را کلاً از ادای هر گونه مالیات معاف و مسلم دانستند. بعلاوه زمین‌های متعلق بکلیسا و کهنه‌خانه‌ها با تمام مستخدمین و کارگردانان آنها از تأدیه هر گونه مالیات و عوارض مصون و معاف گردید. ضمناً بمغولها هم دستور اکید داده شد که بهیچ وجه در مورد زمینهای کلیسا دخالت نکرده و از تصاحب آنها خودداری کرده هیچ گونه پرداخت و مطالباتی را بر آن واجب ندانند و مطالبه نکنند و در صورت تخلف جرم آن اعدام خواهد بود حتی اهانت و بی‌احترامی نسبت بروحانیون و کشیشان ارتدکس جرم محسوب شده و مرتکبین این گونه جرائم بقتل میرسیدند. برای احترام این منشور و ازدیاد قدرت و اهمیت آن اسم چنگیزخان در ابتدای برلیغ قید می‌شد اما درازاء این بخشش و این مصونیت از پرداخت‌های مالیاتی از طبقه روحانیون ارتدکس تنها این خواسته شده بود که برای شخص منگو تیمور و خانواده او صمیمانه و با حرارت مذهبی و ملی از خداوند خیر بخواهند و اگر کسی بنظر سهل‌انگاری و تکاهل بآن می‌نگرید آنرا جرم و گناه میدانستند. بموجب این منشور و برلیغ‌های دیگری که در این زمینه و شبیه بآن صادر شده چه در زمان سلطنت منگوتیمور و چه در دوران پادشاهان پیش از او کشیشان کلیسای ارتدکس روس و مردمی که در تحت حمایت کلیسا بودند جزء طبقه ممتاز درآمدند.

با این وصف مشاهده میشود که شالوده ثروت کلیسا گذارده شد. منگو تیمور با صدور این فرمان از مسنت چنگیز خانی پیروی میکند و رویه و سیاست جانشینان چنگیز را در نظر می‌گیرد و بآن تاسی می‌نماید.

این رویه چه در چین و چه در آن نواحی که در تحت فرمان خانان مغول بودند اجرا می شد و از این لحاظ این سیاست مغولی با صدور این منشور موافقت داشت و خود يك سیاست بسیار مدبرانه‌ای را در اداره داخلی مغول نشان میداد زیرا با این قدم بزرگ مشاهده میشود که يك طبقه منورالفکر و تربیت شده روسی که مورد احترام مردم و دارای اہت و عظمت مذهبی بودند پشתיبان و حامی سلاطین مغول میشوند و دیگر مقاومت در مقابل آنها بطور فاحشی رو به تقلیل میرفت. آری توسط همین منشور بود که کلیسای روس توانست قدرت مذهبی خود را بر شالوده محکمی استوار کند و متدرجاً تشکیلات و اصلاحاتی را برای کلیسا تنظیم و بصورت عمل در آورد.

سیر تاریخ بعدی نشان داد که هر قدر کلیسا بطرف جلو میرود بقدرت آن افزوده میشود بطوری که قدرت کلیسا با مقایسه با قبل از هجوم و حمله مغول بمراتب بیشتر بود. هیئت مدیره و عامله کلیسا چه در داخل و چه هیئتی که در کلیسای بیزانس بودند از این پشתיبانی بنفع کلیسا استفاده نموده و از پشתיبانی خان مغول کلیسای ارتدکس روس در واقع برخوردار گردید و کلیسا دیگر خیلی کمتر از زمان قبل از حمله مغول در تحت نفوذ شاهزادگان بود و استقلال آن بیشتر شد بنحویکه کلیسا در چند مورد که نزاعی بین شاهزادگان روسی بود برای رفع نزاع و دعوی حکم واقع شد. بلی این دوره‌ای بود که کلیسا توانست برای خود و فعالیت‌های بعدی خود پایه مادی محکمی را بسازد. نکته دیگری که مورد توجه است اینست که بواسطه مصونیت زمینهای کلیسا از مداخله رؤساء و عمال دولتی عدّه زیادی از برزگران و روستایان بآن زمینها روی آورده در آنها مسکن گزیدند و بادل فارغ تری بزراعت پرداختند و این خود باعث شد که محصول این قبیل برزگران نسبت بمحصول زراعت سایر قسمتها ترقی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و این امر خصوصاً در مورد زمینهای کهنه خانه‌ها محسوس بود و تعداد کلیسا و کهنه خانه‌ها رو بفرونی گذاشت. پس از سال ۱۳۵۰

مسیحی یعنی در قرن اول دوران حکومت مغول سی کهنه خانه بر تعداد کهنه خانه‌های قبلی افزوده شد و در قرن بعد این عدد پنج برابر شد. یکی دیگر از پیشرفت‌هایی که در دوران مغول شده آثار هنری و صنعتی کلیسا است که در نقاشی‌های روی دیوارها و سقف کلیسا و هم چنین در ساختن نقاشی‌ها و مجسمه‌های داخلی کلیسا بکار رفته. (ص ۳۷۹ - ۳۷۷)

#### یادداشت آقای دکتر سجادیه

اقتباساتی که دانشمند محترم آقای نیکیتین فرستاده‌اند برای ما صحنه‌ای از سیاست مذهبی مغول را در روسیه آشکار میکند ولی باز شایسته و مناسب دید که با اجازه ایشان شمه‌ای از سیاست عمومی مذهبی مغول خصوصاً با توجه به کشور عزیز خودمان ایران که مدتی طولانی مورد تاخت و تاز قوم مغول بود از نظر خوانندگان عزیز بگذرانم.

سلاطین اولیه مغول تا قبل از غازان خان بودایی و یامسیحی بودند ولی همینکه غازان خان (۱۳۰۴ - ۱۲۹۵) بآئین اسلام درآمد دیگر اکثر سلاطین مغول مسلمان بودند پس سیاست مذهبی مغول را باید بدو قسمت کرد اول سیاست پادشاهان غیر مسلمان مغول دوم سیاست پادشاهان مسلمان مغول. اما در مورد اولی خوبست اول از خود چنگیز شروع کنیم و بعد باجمال سیاست این طبقه از سلاطین و فرمانفرمایان مغولی را در مورد مذهب توصیف کنیم.

چنگیز در ۱۲۲۱ بایران حمله کرد هر جا قشون مغول میرسید خرابی و قتل و غارت همراه آن بود ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که این کشت و کشتار که بدست مغولان و در نتیجه حملات آنان در کشور عزیز ما صورت گرفت بواسطه بغض و کینه آنها نسبت باسلام نبوده بلکه از نظر سیاست نظامی آنها بود ولی بگواهی تاریخ هنگامیکه حکومت خود را برشالوده محکم استوار نمودند رویه و خط مشی آنها نسبت بمذهب تغییر نمود.

مغولان بزودی دریافتند که برای تحکیم پایه‌های سلطنت خود باید از مذهب و پیروان مذاهب مختلف پشتیبانی داشته باشند. سلاطین مغول خصوصاً وزراء و مشاورین ایرانی خوبی داشتند و نفوذ وزراء ایرانی در روی سکه‌های آنها آشکار است و بکار بردن کلمه پادشاه در روی سکه آباغا و ارغون و کلماتی مانند پادشاه عالم ایلخان اعظم و سلطان اعظم مشاهده میشود که خود دلیل نفوذ وزراء ایرانی است. میدانیم که چنگیز خان بشخصه نتوانست حکومت مغول را در ایران برقرار نماید و این امر بنوه او هلاکو سپرده شد که در (۱۲۵۸) بغداد را مسخر و آخرین خلیفه عباسی را بقتل رسانید و ایران مرکز حکومت مغولی که معروف بایلخانان میباشد گردید. اما از لحاظ سیاست مذهبی مغول و طرز رفتار آنها نسبت بسایر مذاهب و پیروان آنها بسیار بجا است که از خود چنگیز شروع کنیم.

چنگیز خان به پسرهایش توصیه نمود که نسبت بشمام مذاهب بنظر احترام بنگردند و بمردم آزادی مذهب دهند و کسی را بجرم پیروی از کیش خود مورد زجر و شکنجه قرار ندهند. باینکه چنگیز مانند سایر هم‌میهنان خویش آفتاب پرست و یا بعبارت دیگر شامانیست بود ولی یزدان پرست هم بود و نسبت بیک قدرت و توانایی مافوق بشری یعنی یزدان پاك معتقد بود و میگفت برای خداوند و درگاه بزرگ او چندان اهمیت ندارد که بندگان معبود خود را بچه طرز و چگونه پرستش کنند. با این عقیده چنگیز پسران خود را از ظلم و زجر و شکنجه نسبت به پیروان مذاهب دیگر باز میدارد و آنانرا توصیه میکند که بنوامیس مذهبی پیروان مذاهب مختلف احترام گذارند. خود او از این حد هم قدمی فراتر گذارده و روحانیون مذاهب مختلفه را از تأدیبه مالیاتها و دیون دولتی معاف نمود علاوه بر این پشتیبانی و توجه و احترام بمقدسات مذهبی و علماء روحانی نسبت بقرا و نیازمندان و بزشکان و دانشمندان هم نهایت توجه و احترام را رعایت میکرد و اینها را هم از پرداخت مالیاتها مقرر می‌نمود.

منگوقاآن و مادرش هر دو در خدمت و توجه بمذاهب مسیحی و بودایی و مسلمان بدون استثناء سهیم بودند. مادر منگو که از طرف پسر لقب ملکه را داشت در ۱۲۵۲ در گذشت و باینکه این ملکه مادر مسیحی بود باز برای ایجاد مدرسه اسلامی در بخارا هزار بالاش طلا هدیه کرد. در این مدرسه هزار محصل علوم دینی بفرار گرفتن علوم مشغول بودند. و برای آن موقوفه معین نمود. موضوع دیگری که از لحاظ مذهبی جالب توجه است اینست که منگوقاآن شخصی را بنام اندیکوت از اهل ایغور که غلامی او را متهم نموده بود که قتل همه مسلمانهای بلیش بالینگ (Belish Balig) بدست او بوده است بحضور خود طلیمید و از او بزور شکنجه اقرار گرفت و سپس او را مجدداً به ایغور فرستاد و در آنجا برای جلب رضایت و خشنودی مسلمان امر داد که بدست برادر خود محکوم او را سر ببرند و یکی دیگر اینست که وقتی یکی از کشیشها بنام (Rubriques) روبریک پیش منگو آمد و اذناظر بود که منگو و زنش و بچه هایش بکلیسای نستوریها (Nestorians) وارد شده دست کشیش مقدس را بوسید و زنش بمسیحیان هدیه هائی داد.

منگوقاآن از یاسای چنگیز خانی که بالفیاء ایغور نوشته شده بود و بچه های مغولی بدستور خود چنگیز بفرار گرفتن آن مجبور بودند پیروی میکرد. اکتای قاآن هم این یاسای چنگیز را تأیید نموده پیروی میکرد و بدین جهت کشیشان عیسوی و روحانیون و علماء اسلامی و شمنها (بیشوایان مذهبی بت پرستان) را از تأدیه مالیاتها برکنار نمود و آنرا از هر گونه عوارض دیوانی مصون و معاف داشت ولی بارن دسن (Baron d'Ohsson) مورخ فرانسوی میگوید که احبار یهود از تأدیه مالیاتها مقرر معاف نبودند.

بطور کلی سیاست سلاطین غیر مسلمان مغول پیروی از سنت محکمه چنگیز و یاسای چنگیز خانی بود که در نظر مغولها مقدس شمرده میشد اما سلاطین مسلمان مغول

مانند غازان خان اغلب از طرفداران و حامیان جدی اسلام بوده و با پشتیبانی از اسلام پایه سلطنت خود را بر سالارده محکمی استوار کردند و از این سیاست نیک برخوردار شدند در دوران غازان خان مساجد و مدارس ساخته شد و برای ترقی و تحکیم مبانی مذهبی موقوفات و امور خیریه متعددی دائر کردند و در مورد اهل ذمه جزیه اهل ذمه را غازان به نسبت طبقات مختلف و بفراخور قدرت آنها تعیین و موقع و شرایط پرداخت و مامورین جمع آوری را تعیین کرد.

سلاطین تیموری اغلب از پشتیبانان جدی اسلام بودند. در گرد شخص تیمور علماء و فقهاء و سادات و منجمین و پیشگویان و در اویش و اخترشناسان بودند و تیمور به گفته‌ها و پیشگوئی‌های آنها گوش فرا میداد و از اندرز دانشمندان بهره می‌گرفت شاهرخ فقهاء و علماء را دوست میداشت و از طرفداران پر حرارت و جدی دین مقدس اسلام بود و حتی امپراطور چین را بقبول آئین مقدس اسلام دعوت کرد. الغ بیک بقول لوسین بووا مورخ مشهور فرانسوی قرآن را از حفظ داشت و آنرا بهفت قرائت می‌توانست بخواند (قرآآت سبع). عبداللطیف هم بهمین ترتیب ذوق و علاقه زیادی نسبت با اسلام داشت و بعلماء و فقهاء احترام می‌گذاشت و خود بشخصه در فقه اسلامی دست داشت و از فقها بشمار میرفت. عمر شیخ باینکه سنی حقیقی بود با علماء معشور بود و بمطالعه مطالب دینی می‌پرداخت و از بحث در آن لذت می‌برد. بایر میرزا هم نسبت بمذهب مقدس اسلام و روحانیون توجه خاص داشت. در بین سلاطین تیموری کمتر کسی پیدا می‌شد که متدین نباشد فقط مورخین سلطان محمود و یکی از پسر های حسین بایقرا معروف بحسین میرزا و هم عصر او میرزا یادگار و جهان‌نشاہ قره قویونلو را از این رویه مستثنی میدانند.

در بین نامه‌هایی که محمد بن هندوشاه نخبجوی معروف بشمس منشی از دوران شیخ اویس بهادر خان در کتاب خطی دستورالکتاب آورده در صفحه ۱۳۱ نسخه

خطی موجوده در کتابخانه ملی و بنه مذکور است قاضی القضاة مسلمانان نسلا بعد نسل از تادیبه هر گونه مالیات و عوارض دیوانی معاف بوده و تمام زمینها و املاک از اراضی خانه شماره باغ شماره و غیره از تادیبه هر گونه پرداخت دیوانی معاف مسلم بوده است در مورد جزیه ایل ذمه هم سندی در این کتاب موجود است و میرساند که منشور غازان خانی با جزئی تغییر در مورد اهل ذمه بکار برده می شده.

اما نکته ای که در دستور کاتب محمد بن هندو شاه نخجوانی جلب نظر میکند اینست که بطور مسلم محمد بن هندو شاه علماء و فقها اسلامی را جزء طبقه اشراف الناس دانسته ولی در مقابل این طبقه شریف و ممتاز کشیشان مذهب مسیح و علماء مذهبی یهود را با خرابندگان و کاروانیان و غلامان در یک طبقه قرار میدهد. در تاریخ غازان خان رشیدالدین میگوید که اگر بین یک مغولی بایک مسلمان دعوائی رخ میداد رسیدگی بآن بدست مجمعی از قضاة و رجال و یار و جوچیان و غیره در مسجد بزرگ شهر بود و در این جا حکم مطابق شرع مقدس اسلام صادر و حکم صادره قطعی و حتمی الاجرا بود باز در این جا کاملاً آشکار است که با وجود مقدس بودن یاسای چنگیز خانی قوانین شرع را بر یاسای چنگیز خانی مقدم دانسته و رای نهائی را بدست قاضی القضاة مسلمانان داده است

این بود شمه ای از سیاست مذهبی مغول ولی این نکته مهم را هیچگاه نباید از نظر دور داشت که در موقع ناخت و تاز و هنگام هجوم و حمله چندان توجهی بمذهب نمی شد. مثلاً هوارث مورخ مشهور میگوید که مغولها در حمله بروسیه وقتی مسکورا مورد حمله قرار دادند مردم را از دم تیغ میگذرانند و در کیف Kief وقتی مردم بکلیسای شهر پناهنده شدند مغولان بداخل کلیسا راه یافته و همه پناهندگان را هلاک نمودند زیرا در قانون مغول و یاسای چنگیزی هر گاه کسی بدشمن مغول راه دهد و از او پشتیبانی نماید در حقیقت خود او جزء دشمنان مغول بحساب آمده و



دیگر با و کسانانی که با و پناهنده شده‌اند رحم نمی‌شود. شواهد دیگر از حملات مغول در اروپا در دست است که حاکی از عدم توجه بمقدسات مذهبی است مثلاً کلیسای Tithe تیت را که نمونه‌ای از شاهکارهای ساختمانی عصر امپراطوری بیزانس یا روم شرقی بوده منهدم نموده و هرچه در آن از آثار ذی‌قیمت و ثروت یافتند بغارت بردند کهنه‌خانه معروف (Pet chersky Lavra) پت چرسکی لاورا را ویران کردند و مجسمه‌های آنرا خراب نموده و ثروت کلیسا را بغارت بردند در هنگری و لهستان زنان و مردان را در کلیساها بقتل رساندند مزارها و مقابر معظمه را در کلیسا ویران نموده و کشیشان را مورد زجر و شکنجه قرار دادند.

نکته جالبی که پروفیسور ورنائوسکی در کتاب خود ذکر کرده ترقی و پیشرفت هنر و نقاشی در روسیه بوده این را هم باید پوشیده نداشت که در عصر مغول نقاشی در کشور ما هم رونقی تازه گرفت و ترقی بسزا پیدا کرد و یکی از نتایج قابل ملاحظه استیلاء مغول در ایران همانا ورود نقاشان چیره دست ماهر از خاور دور بود و همین‌اتوار و نقاشی در ایران بواسطه ورود این هنرمندان خارجی رونقی گرفت خصوصاً صحنه‌ریزیهای چینی در مینیاتورهای ایرانی آشکار میشود و خود يك تازه‌ای بنقاشی ایرانی میدهد اغلب سلاطین تیموری هنرمند و نویسنده بودند دربار شاهرخ درهرات و دربار الغ بیک در سمرقند شهرت علمی و ادبی داشتند طوری که ایران قرن ۱۵ مرکز ادبیات و فرهنگ بود و نقاشانی مانند بهزاد و حاج محمد نقاش و خواجه میرک نقاش بوجود آمدند ایران در دوره مغول از لحاظ فرهنگ و سیاست با آسیای مرکزی پیوستگی پیدا کرد.